



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۰۶

عبدالقیوم میرزاده

## کتاب

## زنان

# و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت سیزدهم)

## وابستگی اقتصادی زن به مرد و مسئله مشارکت

وابستگی اقتصادی زنان به مردان یا شوهران یکی دیگر از چالشهای فرا روی زنان افغانستان میباشد که این وابستگی اقتصادی بنابر تسلط فرهنگ مرد سالاری در جامعه بر زن تحمیل گردیده است. زیرا زن بر اساس مانیفست سیستم مرد سالارجنس و یا متاع مرد بوده و بایست در چهار دیوار خانه محصور بماند و وظیفه اش زائیدن و پرورش فرزندان میباشد. مطابق این فرهنگ زن ستیز زن از همه انواع حقوق انسانی چون حق تحصیل، حق کار، حق انتخاب شوهر، حق بیان اراده، حق دوست داشتن، حق سفر و سایر حقوق انسانی محروم بوده و زنانی که از این امر سر پیچی کنند مباح الدم قلمداد میشوند و تاریخ کشور ما مآمال از جنایات قبیح نظام های مرد سالار بر زن جامعه ما میباشد. همان طوریکه در مباحث قبلی ذکر کردم نظام های حاکم برای تحقق اندیشه های مردسالار خویش از حربه دین هم استفاده کرده و بر روایات ناروای کذب دینی زنان را موجودات ناتوان، ضعیفه، عاجزه، عاقله، کوچ و متاع قابل خرید و فروش قلمداد کرده اند که به جز از تولد فرزندان و امور منزل حق برون رفتن از خانه را ندارند. همین اکنون در اکثر کشور های اسلامی و منجمله در حاکمیت دموکراسی امریکایی در افغانستان زنان حق

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

سفر را بدون محرم شرعی آنهم بعد تأیید محاکم کشور ندارند. زن یا دختر در خانه پدر حق تحصیل و کار را ندارد و زمانیکه بر اساس حکم پدر به شوهر انتصابی آنها داده میشود و به صورت یک جانبه بدون حضور داشت خودش به نکاح مردی دیگر قرار داده میشود او مکلف و موظف به ارضای خواسته ها و نیاز های جنسی مرد میگردد، زن بر اساس این قرارداد یک جانبه مردانه به جنس خرید شده مرد تبدیل شده و در سراسر زنده گی مکلف به تمکین و اطاعت از این مرد موظف میگردد. شکل اجرایی و پیام رسانی نکاح را در سایه دودی و غلیظ فرهنگ مرد سالاری طوری ترتیب و تنظیم کرده اند که مرد و یا حتی جوانک تازه بالغ در همان نخستین روز از دواج به این درک باشد که زن اش را از صاحب اولی یعنی پدرش خریده است. در حالیکه از مطالعه آثار دست نخورده اسلامی در باره نکاح چنین بر می آید که بر اساس هدایات پیغمبر اسلام محمد (ص) نکاح در حضور زن و به میل و رغبت زن قابل اجرا میباشد و مرد برویت این نکاح مکلف به فراهم آوری تسهیلات برای یک زنده گی مشترک سالم با حقوق مساوی و با مشارکت فعال زن برای برآورده ساختن تمام نیازمندی های خانواده سعی بلیغ کند و اگر از عهده اجرای این امر بر آمده نتواند بنا بر شرایط نا گوار اقتصادی آنزمان جامعه عرب و جامعه بشری که زمینه اشتغال سریع زنان میسر و ممکن نبود برای معیشت زن و احتمالاً فرزند یا فرزندان مهریه تعیین گردیده بود ولی فرهنگ های مرد سالار این مهریه را به قیمت زن تبدیل کرده اند مانند همان قیمتی که در بازار برده فروشان برای برده دار میپرداختند و برده دار امروزی عبارت از پدری است که دخترش را در بدل مهریه، طویانه، ولور، قلین بفروش میرساند. همان موجودی که در خانه پدرش (خودش) هم هیچ حق و حقوقی نداشت به کسی فروخت که در آنجا هم حق مطالبه هیچ حقی را نداشته باشد و برای حصول هیچ حقی باید سر بلند نکرده و دعوا نکند. بعد از عقد چنین عقد نامه نا برابر بنام نکاح در گام نخست ریاست این اجتماع نو یا خانواده به مرد واگذار میگردد، حتی اگر مرد یک فرد بی کفایت، بیسواد، بیکار و ناتوان و زن باسواد تحصیل کرده و دارای شغل و صاحب درآمد هم باشد، قوانین در کشور ما که فرهنگ مرد سالار بیداد میکند طوری تنظیم، تعبیر و تفسیر میگردد که شوهر طبق همین قوانین حق دارد زن را از اشتغال، برون رفتن از خانه و هر آنچه که به میل اش سازگار نباشد ممانعت اشد کند و بر اساس همین عقد نامه اگر زن مطالبه فسخ عقد نامه یا طلاق را کند شرایط بسیار سختگیرانه و سراسر به ضرر مادی و معنوی زن واقع میگردد. هم دین هم فرهنگ و همه این وسایل، ذرایع و امکانات در کشور ما دست بدست مرد داده و زن را از همه حقوق انسانی اش محروم گردانیده است. بناً زنان کشور ما از حق تحصیل، حق کار، حق برون رفتن از خانه بدون محرم شرعی و سایر حقوق انسانی محروم بوده برده ایست در دست مرد که هم فرهنگ در کشور ما به این برده گی در شرایط قرن بیست و یک صحنه گذاشته و هم متولیان دینی با تحریف آیات قرآن کریم و احادیث پیغمبر این نا برابری جنسیتی را قمعین میکنند. به این ترتیب زنانی که برده وار از استقلالیت اقتصادی و مالی محروم است در حتی کوچکترین مسایل درون خانواده هم حق تصمیم گیری را نمیداشته باشند. در چنین حالت حتی فرزندان پسر خانواده نیز مادر، خواهر و اعضای زن خانواده را از تصمیم گیری بدور دانسته و تصامیم شان را مورد تأیید قرار نمیدهند. زنان جامعه ما از ترس تنها ماندن و تنها شدن که نمایانگر تسلط فرهنگ مرد سالار در کشور میباشد، فدا کاری برای فرزندان، ترس از بدنمایی روابط اجتماعی، عدم اطمینان به آینده مبهم سرنوشت زن در جامعه و ده ها عوامل و دلایل دیگر تن به برده گی، اسارت و وابستگی اقتصادی به مرد داده و به زنده گی ذلت بار خویش کماکان ادامه میدهند.

از ارزیابی و بررسی های وضعیت زنان کشور ما که طی مباحث قبلی گفته آمدیم چنین بر می آید که بخش اعظم خشونت های خانواده گی و خشونت مرگبار علیه زنان در کشور ما ریشه در همین وابستگی اقتصادی زنان به مردان دارد.

اساساً تضاد های فاحش در خانواده ها از داشتن مالکیت خصوصی مرد و نداشتن مالکیت خصوصی زن سرچشمه میگردد که رویهمرفته شرایط را برای غصب همه حقوق انسانی زن برای مرد مساعد میگرداند که مرد را سلطه گر و زن را کارگر مطیع مرد ببار می آورد.

تصورات و پندار های تبعیض آمیز چون زن استقلال عمل ندارد، زن صلاحیت و توان اداره زنده گی را ندارد، زن بدون مرد موجود کاملی نیست، زن همیشه اسیر و وابسته خلق شده است و هر گز نمیتواند چون انسان کامل در زنده گی قدرت عمل پیدا کند است که زن را به قهقرای بدبختی برده و از استقلالیت اش در امر مشارکت وسیع در کلیه عرصه های اقتصاد، اداره و کسب حقوق برابر در جامعه جلوگیری میکند.

موارد فراوان هم در کشور ما و در سایر نقاط جهان بیانگر آنست که زنان خود در تقویت و نهادینه شدن این پندار های تبعیض آمیز جنسیتی نقش بسزایی ایفا میکنند.

تفکیک شغل ها بر اساس شغل زنانه و شغل مردانه یکی دیگر از نابرابری های اجتماعی - اقتصادی است که نمود های تبعیض جنسیتی را در جامعه بیان میدارد و به این ترتیب در ذهن خود زن هم این مورد را القاح میکند که او موجود نا برابر با مرد است و این شغل ها را انجام و اداره کرده نمیتواند. این امر باعث میگردد تا زنان کشور ما به حاشیه رانده شده و از بازار کار بکلی بدور بمانند و استعداد و توانمندی های نیمی از جامعه از پویایی اقتصاد بدور مانده و از آن هیچ نوع استفاده در راه اعتلای جامعه صورت نگیرد. لیگیا آمانسیو Ligia Amancio

پروفیسو سوسالوژی یا جامعه شناسی در یونیورسٹی لیزین پرتگال که سمت سر محقق را در مطالعه جنسیت در این پوهنتون دارد و مقالات تحقیقی فراوانی را در عرصه های ( نقش برتری جویانه ای مرد، اهمیت مرد بودن در ایدئولوژی جنسیتی جامعه مرد سالار، مسئله جنسیت و ساینس، زنان و ساینس، اهمیت جنبش زنان برای رهایی از سلطه مرد) و ده ها مقاله تحقیقی دیگر در باره زنان نگاشته است در این باره چنین میگوید: « در کشور های توسعه نیافته زنان اولین و مهمترین امید و محمل برای ارتقاء، رشد و توسعه جامعه خود هستند. موفقیت زنان در مشارکت کلان اقتصادی در این جوامع باعث باروری اقتصادی و رفاه این جوامع میگردد.» با وجود این همه مزایای که مشارکت زنان برای دستیابی به توسعه پایدار دارد، چنانچه نا برابری جنسیتی به موقعیت حاشیه ای زنان در بازار کار منتهی شود و از استعداد ها و توانمندی های این قشر به خوبی استفاده نگردد، بنا جایشان در اقتصاد کشور خالی مانده و سودی از این بابت حاصل نمیگردد. از این رو در نظر گرفتن نیاز های زنان به تحصیل و اشتغال از یک سو و اهمیت توجه به نیاز ها و انگیزه های از سوی دیگر برای حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی آنان از سوی دیگر که سهم عمده ای در تحقق رفاه خانواده، پرورش فرزندان، بازدهی سالم برای پیشرفت جامعه دارد از اهمیت بالایی برخوردار است.

برای رسیدن به تعادل، برابری جنسیتی و رفع تبعیضات و در نتیجه توسعه بهتر و کامل تر جامعه، نیاز مبرم پنداشته میشود که زنان بتوانند در فرایند تصمیم گیری در سطوح مختلف جامعه شرکت کنند. خوشبختان تجارب گرانمایی در بسیاری از کشور ها بخوبی نشان داده است که مشارکت وسیع زنان در اداره، اقتصاد، صنعت و فرهنگ اقتصاد این کشور ها را شگوفا و رفاهیت عمومی را در این جوامع عملاً باعث گردیده است. در کشور های ناروی، دنمارک و فنلند زنان بهترین تجارب اداره، تصمیم گیری و اقتصاد توأم با رفاهیت را تجربه میکنند.

در این قسمت خالی از مفاد نیست تا در باره مشارکت، مشارکت چیست؟ انواع مشارکت، چگونگی مشارکت زنان افغان و سیر این مشارکت در گذر زمان توضیحاتی ارائه کنم تا خواننده گان محترم حین مواجه شدن با اصطلاح مشارکت ذهن روشن از آن داشته باشد.

مشارکت یا بزبان انگلیسی آنرا "Participation" میگویند به مفهوم استفاده از منابع شخصی یا فردی در یک عمل جمعی البته بصورت آگاهانه و داوطلبانه میباشد. اقتصاد دانان و جامعه شناسان متفق الرأی به این نظر اند که مشارکت عملی داوطلبانه و آگاهانه اتباع کشور در همه امور عمومی، ارگانهای اداره کشور، اجراییوی، اداری، سیاسی، مؤسسات و کارخانه های تولید و باز تولید، جریان انتخابات هم انتخاب شونده و هم انتخاب کننده، سازمانهای اجتماعی، مذهبی، انجمن ها و مؤسسات فرهنگی، جنبش ها و سازمانهای سیاسی که حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار میدهد و بطور موجز میتوان گفت که مشارکت اساساً تشریک مساعی داوطلبانه مردم برای بهتر شدن زنده گی میباشد که بنیاد آن بر اصل برابری استوار بوده و رویای اندیشه های شهروندی در تعمیم مشارکت صورت عملی به خود میگردد.

مشارکت انواع مختلف داشته چون مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی و مشارکت فرهنگی و... ولی از آنجاییکه مشارکت در تمام عرصه های حیات یک کشور به هم پیوسته میباشد، در بحث اساسی از مشارکت استفاده میکنیم ولی متخصصین امور اداره، جامعه شناسان و اقتصاددانان هر بخش مشارکت را بصورت جداگانه در نظر میداشته باشند چون مشارکت اقتصادی یعنی سهمگیری و شرکت آگاهانه فعالانه و داوطلبانه مردم در نظام تولید و شیوه آن، وسایل مادی، سیاست اقتصادی و توسعه آن، مشارکت سیاسی یعنی اشتراک آگاهانه و داوطلبانه مردم برای تأثیر گذاری عمیق روی تصمیمگیری های سیاسی حکومت از طریق شرکت در انتخابات هم منحیث انتخاب شونده و انتخاب کننده میباشد که بزبان دیگر آنرا مردم سالاری نیز مینامند. ساموئیل هانتینگتون Samuel P. Huntington ( ۱۹۲۷ - ۲۰۰۸ ) نظریه پرداز انگلیسی - امریکایی آنرا چنین تعریف میکند « فعالیت شهروندان منفرد و متشکل به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیمگیری سیاسی دولت. » ، تنها از طریق مشارکت سیاسی است که میتوان حاکمیت سیاسی را بصورت مسالمت آمیز دست بدست کرد، تنها از طریق مشارکت سیاسی مردم میتوان از وقوع کودتا ها جلوگیری کرد، این مشارکت سیاسی مردم در اداره و تصمیم گیری است که به حکومت مشروعیت میبخشد و از طریق مشارکت سیاسی رهبران مورد اعتماد مردم برگزیده میشوند و مشارکت اجتماعی از سهمگیری آگاهانه، فعال و هدفمند مردم در روابط عمومی و بین گروهی چون اتحادیه ها، انجمن ها، باشگاه ها، سازمانهای مذهبی و صنفی و غیره تشکلات دولتی و غیر دولتی که به منظور جلب همکاری بیشتر مردم به رویداد های معین اجتماعی تأسیس گردیده باشد حکایت دارد و همچنان مشارکت فرهنگی سهمگیری فعال و داوطلبانه مردم را در وفاق فرهنگی و اجتماعی مخصوصاً در جوامع با خصوصیات مختلف اتنیک ارتقای سطح فرهنگ عمومی در میان همه مردم میباشد. مشارکت در حالیکه بهترین وسیله و ابزار در راه توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشور میباشد از طرف دیگر اشتراک فعالانه مردم در رویداد های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکی از اهداف زرین انسانی برای تشکل مردم بدو یک ملت به هم پیوسته برای قطع جنگ ویرادر کشی بوده که ما را به سرمنزل مقصود دولت ملت رهنمون میگردد.

پس به این نتیجه میرسیم که موضوع مشارکت فعال زنان منحصبت نیمی از اجتماع ما رکن اساسی برای تأمین صلح، و امنیت، رفاه، ترقی، پیشرفت و رفع فقر و فاقه در کشور محسوب میگردد. در هر آنجاییکه شهروندان اعم از زن و مرد فعال دارند و در ساحه مسئولیت مسئولانه عمل میکنند آنجا جنگ نیست، آنجا برادر کشی نیست، آنجا بی رحمی نیست، آنجا وحشت نیست، آنجا فقر نیست، آنجا بی عدالتی نیست، آنجا ترقی است، آنجا پیشرفت است، آنجا رفاه است، آنجا برادری است، آنجا برابری است، آنجا مساوات است، آنجا مردم خود حافظین منافع کشور شان اند، آنجا مردم خود متخلفین را به پنجه قانون میسپارند، آنجا مردم خود حکومت را در تطبیق قانون همکاری میکنند و..... این است مفهوم اصلی مشارکت مردم در همه امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور. که مشارکت زنان جای اهم را در این پروسه دارد. مشارکت زنان یعنی حضور فعال زنان و دخالت مثمر، آگاهانه، داوطلبانه، متعهدانه آنها برای تصمیم گیری، پلان گذاری، اجرای فعالیت و نظارت بر فعالیت در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که به اختصار میتوان گفت در کلیه امور که منافع مادی و معنوی جامعه را تأمین میکند میباشد. بر اساس اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد همه افراد بشر حق دارند در تمام امور مربوط به سرنوشت شان مشارکت فعال داشته باشند. پایان قسمت سیزدهم ( ادامه دارد)